

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: امسال که به لطف خدا قسمت این کمترین شد در سالگرد مرد بزرگ حاج قاسم عزیز حضور داشته باشم و فقط به قصد در راه بودن هم باشم شعری از حافظ در جوار آن بزرگوار آمد که گفتم شاید خوب باشد برای شما هم بفرستم: سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم / که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم / عبوس زهد به وجه خمار ننشیند مرید / خرقة دردی کشان خوش خویم شدم / فسانه به سرگستگی و ابروی دوست کشید / در خم چوگان خویش چون گویم / گرم نه پیر مغان در به روی بگشاید / کدام در بزمن چاره از کجا جویم / مکن در این چمنم سرزنش به خودرویی / چنان که پرورشم می‌دهند می‌رویم / تو خانقاه و خرابات در میانه مبین / خدا گواه که هر جا که هست با اویم / غبار راه طلب کیمیای بهروزیت / غلام دولت آن خاک عنبرین بویم / ز شوق نرگس مست بلندبالایی / چو لاله با قدح افتاده بر لب جویم / بیار می که به فتوی حافظ از دل پاک / غبار زرق به فیض قدح فروشویم. با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! حرف در رابطه با این غزل بسیار است. حقیقتاً حاج قاسم همان پیاله‌ای است که نسیم حیات را بر جان‌ها می‌وزاند و راهی است تا پیر مغان که مولای‌مان باشد، دری به روی‌مان بگشایند. موفق باشید